

نقش و تأثیر باورها و نمادهای آیینی در شکل‌گیری زیگورات چغازنبیل

رضوان شمشادی^۱، سیدمجید حسینی دستجردی^۲

۱- کارشناس ارشد حکمت هنر اسلامی، rezwanshemshadi@yahoo.com

۲- مدرس دانشگاه ادیان و مذاهب، hosseinidastjerdi@gmail.com

چکیده

زیگورات چغازنبیل، انعکاسی از مفاهیم و باورهای اعتقادی-معنوی عیلامیان است. این بنا سازه‌ای است سمبولیک و نمادین که در کنار ویژگی‌های اقلیمی، با مجموعه‌ای از باورها و فرهنگ آیینی-نمادین وابسته به خود، هویت و اصالت مردم آن تاریخ و سرزمین را نمایان می‌سازد. این معبد که با پلان مربع شکل و حصار دایره‌ای‌اش، برای پرستش «اینشوشیناک» خدای مقتدر عیلام بنا شد، همچنان به عنوان عظیم‌ترین معبد این تمدن باقی مانده است. نظام طبقاتی و نمادینش در کنار سایر نمادها، نمایشی از وحدت الهی، رشد، کمال و تقدس را به نظاره می‌گذارد. از این رو برای کشف معانی وجودی زیگورات چغازنبیل، اسرار و نظم هدفمندش، سه راه پیشنهاد می‌شود: اول، عینیت بخشیدن به باورها، تفکرات آیینی و ارزش فرهنگی نمادها از طریق عنصر مهم مکان‌مندی؛ دوم، معرفی زیگورات به عنوان تقلیدی از کوه مقدس و وسیله صعود به آسمان از طریق نمادهایی چون خورشید، ماه، پلکان و بسیاری دیگر و سوم تقدس بخشی از طریق اعداد و اشکال هندسی.

واژگان کلیدی: زیگورات چغازنبیل، باورها، اعتقادات، نمادها و نشانه‌ها.

مقدمه

انسان از زمانی که متوجه حضور خود در دنیایی بیکران و ناشناخته شد، اندیشیدن را آغاز نمود. او برای رسیدن به آرامش روحی و ارضای حس پرستش و بندگی، خود را در حصار اعتقادات و باورهایی قرار داد که در بروز مذاهب و ادیان بدوی بی‌تأثیر نبود. او به حضور نیروهای ماورایی ایمان داشت و همواره در پی جلب نظر آنها و ادای احترام و ارادت به این نیروها و عوامل بود. آیین‌ها، مراسم و باورها همگی راهی جهت حصول این هدف بودند که به تدریج، مهم‌ترین جزء زندگی مردم شدند و تا به امروز در قالب فرهنگ و هنر باقی ماندند. از آنجاکه عمل و اعتقاد به باورهای آیینی-مذهبی تکلیفی آسمانی و الهی محسوب می‌شد و از طرفی به جهان سرشار از ابهام آنان معنا می‌بخشید، مردم باستان، تأکید و حساسیت زیادی برای انجام بی‌کم‌وکاست آنها به منظور دستیابی به بهترین و بهترین برکات و نعمات خدایان داشتند. در این بین احداث مکان مقدس و پرستشگاه‌هایی با ویژگی‌های خاص به عنوان بهترین جایگاه انعکاس این عوامل، مورد توجه قرار گرفتند. این امر، به خصوص از زمانی که شهرسازی و استقرار در مکانی ثابت و امن رونق یافت، گسترش پیدا کرد.

سرزمین پهناور ایران با تمدنی هزاران ساله نیز از این امر مستثنی نبود. عیلامیان از هزاره چهارم قبل از میلاد در شوش ساکن بودند و پادشاهی قدرتمندی را تا قبل از حمله آشور بانیپال تشکیل دادند. با وجود جنگ‌ها و ناملایمات فراوان، شهرسازی و ساخت بناهای مقدس را رونق دادند و حدود اواسط قرن ۱۳ ق.م به دستور شاه اونتاش‌گال، شهری مذهبی با مرکزیت زیگورات چغازنبیل، (تصویر: ۱) بنا گذاشتند. این بنای پنج طبقه‌ای با معماری پلکانی‌اش برای ما از اهمیت خاصی برخوردار است. زیگورات هرمی شکل چغازنبیل، دروازه ورود به قلمروی معانی و معارف باطنی است که با آگاهی بر شناخت باورها، آیین و فرهنگ ملی عیلامیان می‌توان به آن دست یافت.

درباره این نیایشگاه تحقیقات زیادی از جنبه‌های گوناگون صورت گرفته است؛ اما بیشتر این پژوهش‌ها به ساختار و معماری

ویژه خود بنا، تشریح موقعیت جغرافیایی و اجتماعی، دین و باورهای مردم عیلام به طور مجزا پرداخته‌اند. البته در چند مقاله تا حدی به مسئله معماری و نقش مذهب در ساخت بناهای مذهبی از جمله زیگورات چغازنبیل پرداخته شده است؛ اما تحقیقی در رابطه با اثبات یا احتمال نقش و تأثیر باورهای آیینی و اعتقادات بومی در طراحی و ساخت این نیایشگاه به طور خاص، صورت نگرفته است. همان‌طور که اشاره شد انتقال نگرش‌های آیینی-مذهبی به روایت معماری و سایر آثار هنری از اصول اعتقادی انبای بشر بوده و هست. از آنجاکه باورها و اعتقادات با زندگی مردم پیوندی ناگسستنی و تسلطی همه‌جانبه دارد و باور به این حقیقت که هنرمندان در هیچ دوره و تمدنی، عناصری زائد و بدون پیشینه فکری را در هنری چون معماری به کار نمی‌برند، به نظر می‌رسد، تحقیق و پژوهش در رابطه با تأثیر و کاربرد باورها و بیان آنها به کمک نمادها و نشانه‌ها در معماری زیگورات چغازنبیل، امری لازم باشد. باورهایی که معنا و مفهومی متعلق به دوره خود را جهت برآوردن نیازهای روحی، روانی، معنوی در کنار توجه به زیبایی و بیان نقش، شکوه و عظمت نیایشگاه‌ها، به شیوه‌ای نمادین و اسطوره‌ای بیان می‌کنند و از این طریق ما را با خزائن از اطلاعات اسرارآمیز، آشنا می‌سازند.

باید در نظر داشت که باورهای قومی همیشه به شیوه افسانه، روایت و یا تصویرسازی، بیان و از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شدند. گاهی هنرمندان با خلق آثار حجمی چون بناهایی با ویژگی‌هایی خاص به این هدف می‌رسیدند. این نوع از بیان، بیانی نمادین است که با شناخت و تسلط بر لایه‌های زیرین آن می‌توان به راز و رمز باورهای آیینی پی برد. نماد، نشانه، اسطوره، باورهای اعتقادی-آیینی و بومی با پیوندی تنگاتنگ، از مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده فرهنگ و تمدن اقوام باستانی هستند و هویت ملی آنها را نمایان می‌سازند. همه این عوامل در ارتباطی ناگسستنی، با زبانی قابل فهم و دل‌نشین ما را در مسیر مکاشفه این پژوهش یاری می‌رسانند. با این تفسیر می‌توان گفت با کمک تجزیه و تحلیل نمادها، نشانه‌ها و حکایت‌های اسطوره‌ای، بهتر به نقش و تأثیر عقاید و باورها در شکل‌گیری مکان‌های مذهبی و مقدس دست می‌یابیم. این رمزپردازی‌ها و باورها، اماکن و بناهای مقدس را به قلب و نقطه حیاتی جهان و مرکز توجه و تمرکز مبدل می‌سازند. این پژوهش بر آن است در جهت رمزگشایی برخی باورهای آیینی نمادین با بیان مختصری از تاریخچه بنا و روش تاریخی-تحلیلی، به بررسی نقش و تأثیر باورهایی که در ساخت و شکل‌گیری این بنای باشکوه بیشترین و نزدیک‌ترین نقش را داشته‌اند، بپردازد و به منظور روشن شدن وجوه مختلفی از این باورها در قالب اشاره‌ای گذرا به روایت‌های گوناگونی پیرامون ویژگی‌های ساختاری معبد چغازنبیل و اهمیت نمادها و نشانه‌های وابسته به آن خواهد پرداخت.



تصویر ۱- نمای کلی از معبد چغازنبیل، شوش، مأخذ: *ARTICLE. TEBGAN.NET*

نگاهی گذرا بر تمدن، دین و باورهای عیلامیان و ویژگی‌های ساختاری زیگورات چغازنبیل

۱- تمدن عیلام و موقعیت جغرافیایی:

«بین‌النهرین تا حدود ۵۰۰ ق.م که ضمیمه ایران شد، چندین دولت پر قدرت و بزرگ بر آن حکومت کردند. آنان نفوذ آیین، تمدن و علوم خود را گسترده و بر اقوام خلف تحمیل کردند». (قدیانی، ۱۳۸۷: ۳۵). از جمله این دولت‌ها می‌توان بابل، سومر، آشور، آکد و عیلام را نام برد. عیلام یکی از باشکوه‌ترین گنجینه‌های تمدن کهن ایران، در اواخر هزاره سوم ق.م است. آنان بانی اولین دولت مرکزی سلطنتی، در فلات این سرزمین بودند. دکتر محمد معین عیلام را شامل خوزستان، لرستان و کوه‌های بختیاری کنونی می‌داند. «عیلامی‌ها سرزمین خود را هاتمتی^۱ خوانده‌اند که این کلمه از دو قسمت «ها» به معنی سرزمین و

^۱.HATAMTI

«تمتی» به معنی مقدس یا خدایان تشکیل گردیده و در مجموع به معنی سرزمین مقدس یا سرزمین خدایان است.» (نگهبان، ۱۳۷۲: ۲۴). عیلام باستان، از دو ناحیه تشکیل شده بود، ناحیه کوهستانی که انزان^۱ یا انشان^۲ نامیده می‌شد و از نظر فرهنگ و تمدن، بکرتر بود و ناحیه جلگه‌ای که شوشون^۳ نامیده می‌شد و به دلیل ارتباط با سایر تمدن‌ها از پیشرفت چشمگیری برخوردار بود. آنها، به سبب همسایگی با تمدن‌های بزرگ و پیشرفته، از نفوذ و تبادلات فرهنگی-تجاری برخوردار بودند و از این طریق موفق به پیشرفت‌هایی در زمینه‌های مختلف شهرنشینی، هنری، ادبیات و مهم‌تر از همه ابداع خط تصویری شدند. حیات این تمدن بزرگ تا ۶۴۰ ق.م به طول انجامید.

۲- دین و اعتقادات مذهبی عیلامیان:

از دین و مذهب عیلامیان اطلاع چندانی در دست نیست، باین حال، طبق مستندات موجود، مذهب آنان روی هم‌رفته همان مذهب سومری‌ها، آکدی‌ها و بیشتر برگرفته از مذهب و آداب و آیین مذهبی بابلی‌هاست. عیلامی‌ها عالم را پر از ارواح می‌دانستند و آن‌ها را هم خدا می‌پنداشتند. مجسمه خدایان را می‌ساختند و مذهبشان شرک و پرستش طبیعت و بت بود. به اعتقاد مردم بین‌النهرین، ارواح در خورشید، ماه و ستارگان سکنی می‌گزیدند، در گذر زمان، این سیارات جایگاه خدایان را پیدا کرده و مورد پرستش قرار گرفتند.

عیلامیان «به قصد آنکه از برکات و انعام حیات بهره‌ور گردند به کاهنان و پیشوایان دینی خود متوسل گشته و در اموری چون قربانی‌ها، افسون‌ها، نمازها، دعاها و مطالعه کواکب از آنان یاری می‌جستند و به آواز نغمات نی و سرودهای دلپذیر موسیقی، به عبادت و خضوع در آستانه الهه می‌پرداختند... و هرگاه از دعا و نماز ایشان خدایان مهربان نمی‌گشتند ناچار افسون‌هایی به کار می‌بردند که به‌زعم ایشان در مزاج خدایان نفوذ می‌کرد.» (قدیانی، ۱۳۸۷، ۴۵).

این نوع از عقاید و باورها به جلب محبت و نعمت و دفع خشم و زیان خدایان، باعث شده بود که عمده اقوام باستانی در دین و پرستش‌های خود، رفتار دوگانه‌ای را پیش گیرند. آنها از یک‌طرف حیوانات و عوامل مفیدی چون گاو، شتر، خورشید، ماه، آب ... و از طرف دیگر عوامل ناسازگاری، چون رعدوبرق، باد، تاریکی و... را می‌پرستیدند. در این سرزمین تنها پادشاه و کاهنان اجازه حضور در معبد را داشتند و در روزهای جشن و پیروزی، مجسمه‌ها و تمثال‌های خود را از زیگورات و عبادتگاه‌ها بیرون آورده و نسبت به آنها ادای احترام می‌کردند. به این ترتیب، عیلامیان نیز همچون سایر تمدن‌ها، اعتقادات و باورهای مذهبی-آیینی خویش را در تاروپود فرهنگ و هنرشان وارد نموده و از آن بهره‌های بسیار بردند. در این بین معماری به عنوان گویاترین و ناب‌ترین راه نمایش و بروز تفکر دینی-آیینی و اسطوره‌ای، مورد توجه هنرمندان مذهبی و عارف‌مسلك بوده و هست. بهترین نمونه این تمثیل، در میان بسیاری از ابنیه‌ی تاریخی-مذهبی ایران، زیگورات چغازنبیل است.

۳- زیگورات چغازنبیل و ویژگی‌های معماری:

در جوامع باستانی، معابد نقش بسیار مهمی داشتند؛ و همواره بلندترین و مرتفع‌ترین بناها بودند. عمدتاً در مرکز شهر و از خشت خام یا آجر پخته، ساخته می‌شدند. شاه اونتاش ناپریشا (اونتاش‌گال) پادشاه عیلامی، همچون سایر فرماندهان به ساخت و هدیه بنای زیگورات به خدایان علاقه‌مند بود. او در ۱۲۵۰ ق.م و ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی شوش، شهر مقدس دوراونتاش را به کمک مهارت‌های ساختمان‌سازی بنیان گذاشت و در مرکز آن معبدی مرتفع و شگفت‌انگیز، بر مبنای نقشه عمودی ساخت و آن را زیگورات چغازنبیل نامید. (تصویر: ۲) این شهر مجموعه‌ای از قصرها و معابد بود که علیرغم داشتن سه حصار دیواری، هرگز به عنوان شهر دفاعی و قلعه‌ای به کار نرفت. زیگورات به معنی بلند و برافراشته، مکان خداوند، محل جاودانه ارواح و پرستشگاه ابدی آنهاست.

1. ANZAN

2. ANSHAN

3. SHOSHON

«واژه سومری برای زیگورات یونیرزیگورات ۱ (کوه) است که جاستروم ۲ آن را مرئی از راه دور، معنی و تفسیر کرده است» (هال، ۱۳۹۳:۴۸). زیگورات‌ها که برخی منشأ آن را تمدن سومر می‌دانند، معابدی مرتفع و پلکانی بین سه تا هفت طبقه بودند که از سوی پادشاهان و بزرگان شهر برای عبادت خدایان و انجام مراسم آیینی و مذهبی برپا می‌شدند. نیایشگاه چغازنبیل با قاعده مربع شکل (تصویر: ۳) و حصار دایره‌ای و جداگانه خود، از نظر ساخت و نقشه کاملاً متفاوت از کلیه زیگورات‌های ایران و بین‌النهرین است و برای ستایش ایزد اینشوشیناک، نگهبان شهر باستانی شوش و خدای جهان مردگان، بنا شد. گفته می‌شود، زیگورات چغازنبیل، وسیع‌ترین زیگورات جهان و آخرین نمونه این سبک معماری است. این بنا که هم نیایشگاه بود و هم آرامگاه، در دو مرحله، پیرامون یک حیاط مرکزی و در محوطه‌ای ۱۰۰ هکتاری، ساخته شد. مرحله نخست را به «صورت مربع کاملی که طول هر ضلع آن ۱۰۰ متر بوده و زوایای آن نیز متوجه چهار جهت اصلی، با خشت خام شروع کرده‌اند، وسط هر دیوار، دری قرار داشت که به صحن حیاط بزرگ مرکزی باز می‌شد». (آمیبه، ۱۳۴۹: ۵۳). چهار طبقه بعدی در مرحله دوم ساخته شدند، «هر طبقه از روی سطح محوطه جداگانه ساخته شده و بالا رفته به طوری که از طبقه اول به صورت چند قوطی توی در توی به نظر می‌رسد. روی طبقه چهارم، بزرگ‌ترین بنا، معبد بزرگ اینشوشیناک قرار دارد». (هینز، ۱۳۸۹: ۴۹).

متأسفانه از این بخش معبد، جز چند کاشی، نشانی باقی نمانده است. زیگورات هرمی شکل چغازنبیل، از جهت ابعاد و ویژگی‌های منحصر به فردش با بسیاری از اهرام جهان برابری می‌کند و باورهای قوی ساکنانش را با شیوه‌ای خاص در معماری، بیان می‌کند. از دیگر زیگورات‌ها می‌توان: زیگورات اور، آنو، معابد هفتگانه اریدو، تل ریماح بابل و دورشاکلین را نام برد که ساختاری مشابه هم دارند. چغازنبیل در سال ۱۹۷۹ م توسط یونسکو در فهرست میراث جهانی قرار گرفت.



تصویر ۲- ضلع غربی بنای زیگورات، مأخذ: KOJAVA.COM تصویر ۳- نما و پلان معبد چغازنبیل، طرح از فرشید فتحی.

۴- باورهای آیینی، بن‌مایه معماری:

باورهای آیینی، وسیله تجسم بخشیدن به اعتقادات و اندیشه انسان اسطوره‌ای بود و بناهای مقدس، بر پایه بینشی که از همین باورها نشأت می‌گرفت، ساخته می‌شدند. معماران باستان علاوه بر دانش ساخت انواع سازه‌ها و تأکید بر امر زیبایی، سعی می‌کردند، در تنظیم تناسب و محاسبات خود، باورهای نمادین را نیز، در نظر داشته باشند. تجلی باور مقدس به شیوه‌ها و صور گوناگون همواره در تاریخ بشری نمایان بوده است. در زیگورات چغازنبیل هم، عناصر تفکر و باورهای آمیخته با تقدس، به‌وفور مشاهده می‌شوند. حال، این پرسش شکل می‌گیرد که، چگونه و از چه طریق، می‌توان به معنای درونی این باورها دست یافت. یکی از راه‌های پاسخگویی به این سؤال و رسیدن به مرحله شناخت و تأیید نقش عقاید و باورهای هر ملت و تمدنی، رمزگشایی زبان نمادین آنها است و با همین رمزگشایی‌هاست که می‌توان تا حدی از تفکر، نحوه زندگی و اندیشه انسان‌های نخستین آگاهی یافت.

1. ZIGGURAT U-NIR

2. JASTROM

باید در نظر داشت که در باور عام، مکان‌های مذهبی همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و این اهمیت از یک‌سو ناشی از باور و معتقدات مردم و از سوی دیگر ناشی از ساختار و مفاهیم فضایی، معانی، نماد، نشانه و حتی حکایت‌ها و روایت‌های اسطوره‌ای هستند که در بطن این مکان‌ها وجود دارند و در حقیقت به عنوان کلیدی برای ورود به قلمروی وسیع باورهای عمیق ملی و مشترک تمدن‌ها عمل می‌کنند. رسیدن به چنین دانشی، قطعاً، وابسته به درک و دریافت دانش ساختاری کنش فضا و مکان مقدس هم هست. با توجه به همه موارد گفته شده و اینکه مذهب، آیین، آداب و رسوم عیلامیان، در هاله‌ای از ابهام قرار دارند، این نتیجه حاصل می‌شود که، یکی از شاخص‌های رمزگشایی معابد این دوره، استفاده بهینه از باورها و آیین‌ها با ابزار نماد و نشانه‌ها است.

نمونه‌هایی از تأثیر نگرش‌های اقوام پیشین و تمدن‌های مقارن عیلامیان، در شکل‌گیری و ساخت زیگورات چغازنبیل

۱- تجلی کوه در بناهای مذهبی و زیگورات چغازنبیل:

کوه، این مخلوق زیبا و باشکوه الهی، نظر هر بیننده‌ای را از فرسنگ‌ها فاصله، به خود جلب می‌کند؛ و چشم را از نازل‌ترین نقطه زمین به بالاترین مکان که روبه سوی آسمان لایتناهی دارد، سوق می‌دهد. بیشتر پرستشگاه‌های دنیا، به شکل هرم‌های نوک‌تیز ساخته شده‌اند. درباره جنبه مقدس کوه، باورها، داستان‌ها و افسانه‌های مختلفی روایت می‌شود. «کوه، نماد بلندترین و مرتفع‌ترین نقطه زمین، دارای ارزش‌های رمزی و مذهبی بی‌شمار است. در قدیمی‌ترین افسانه‌های مربوط به آفرینش، نخستین مخلوق جهان هستی و در عقیده ملت‌های ابتدایی، نگهبان و منبع قوای حیات و دارای نیروی تولید است.» (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۰۶). تفکر جایگاه خدایان بودن کوه‌های مقدس همواره در سراسر جهان باستان وجود داشت. کوه، چون مرکز و محور عالم تصور می‌شد و بنا بر روایتی اصل خلقت از این مرکز آغاز شده و در مقایسه با هر مکانی به آسمان نزدیک‌تر بود، فضیلت قدسی داشت. قله آن نیز، اوج تقدس و رهبانیت انگاشته می‌شد و محور قائمش معرف مسیری بود که به واقعیت و حقیقت متعالی منتهی می‌شد. هر کس به آن صعود می‌کرد به واسطه نزدیکی به آسمان، از اعتبار و برتری بیشتری برخوردار می‌شد. در اکثر فرهنگ‌ها صعود از کوه - معبد، نماد عبور از یک مرتبه به مرتبه دیگر است و نه تنها موجب دستیابی به قداست، بلکه مسیر عروج روح از دنیا به آسمان، بریدن از تعلقات دنیوی، نشان خضوع و خشوع در برابر خدایان است. در زیگورات چغازنبیل این مراتب با طبقاتی بودن معبد بروز می‌کند. بنایی با پنج طبقه متحدالمرکز و با ارتفاع‌های متفاوت که هرکسی بر اساس میزان فضیلت و احترامش اجازه صعود به طبقه‌ای خاص و تعیین شده را می‌یابد.

طبقه آخر که رکن اصلی معابد پلکانی است و در حکم قله کوه، جایگاه پادشاه و مجسمه‌های خدایان است. مکانی برای عروج ارواح به آسمان و رسیدن به جایگاه ابدی‌شان خورشید و انجام مراسم آیینی ویژه از جمله ازدواج مقدس. ازدواجی بین برترین کاهنه و یکی از خدایان عیلامی که به اعتقاد آنان، این ازدواج برایشان خیروبرکت فراوانی را به دنبال داشت. در تمامی فرهنگ‌ها باور بر این است که ارواح و فرشتگان نیز در آسمان‌ها زندگی می‌کنند و ارواح زمینی از کوه (معبد) به سوی آنها پر می‌کشند. (پوتنام، ۱۳۸۸: ۶). به این ترتیب با الهام گرفتن از بلندای باشکوه و توجه به جنبه رمزی، اسطوره‌ای و مقدس کوه، بناهای مذهبی مرتفع ساخته شدند و تجلی آسمان گونه‌ای را با معماری خاص خود ایجاد کردند. زیگورات چغازنبیل در دشتی هموار، نماد کوهی کیهانی است، با همان قداست و جایگاه رفیع که از فرسنگ‌ها فاصله هم، عظمت و شکوه خود را بر مشتاقان زیارتش عیان می‌کند.

زیگورات، کاربرد نجومی نیز داشت و کاهنان از فراز بالاترین طبقه، حرکات و نشانه‌های ماه و ستارگان را رصد می‌کردند. این طبقه، نشان از بهشتی داشت که بشر همواره در پی آن بود. «به موجب سنن بین‌النهرین، گل انسان در ناف زمین یعنی جایی که آسمان به زمین می‌پیوندد، سرشته شد... بهشت، ناف زمین بود» (الیاده، ۱۳۸۴: ۱۸۳-۱۸۴). این بهشت، بر فراز بلندترین کوه‌ها قرار داشت. بنابراین اعتقاد که قطعاً عیلامیان جدای از آنها نبودند؛ مردم برای شبیه‌سازی و نزدیک شدن به

بهشت متعالی، دست به ساخت معابدی مرتفع و مطبق زده و آخرین طبقه آن را به نشان بهشت موعود، عمدتاً با کاشی‌های رنگارنگ، طلا و فلزات گران‌بها آذین بستند.

۲- نگرش آیینی-مذهبی به خورشید و ماه:

۲.۱. **خورشید و باورهایش:** خورشید با باورهای خاص خود، در تمدن‌های گوناگون، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. «در مذاهب ابتدایی که انسان سعی دارد با استفاده از تجلیات بارز طبیعی، حس پرستش و ستایش خود را پاسخ گوید. خورشید، بارزترین نمونه خدایی، سراسر نور و روشنایی است. در این مذاهب نسبت نور و خورشید ناگسستگی است» (بلخاری، ۱۳۸۴: ۴۵۲). هرچند ماه و ستاره‌ها هم صاحب نور و معانی روحانی بودند، اما خورشید از اهمیت بیشتری برخوردار بود و نزد اکثر قبایل، با کوه-معبد ارتباطی تنگاتنگ داشت. بشر باستانی همواره در تلاش بود تا توجه و محبت این ستاره عظیم گرمابخش سراسر نور را به خود جلب کند.

نور بارزترین ویژگی خداوند در تمامی تمدن‌ها و ادیان است. خورشید، روشنایی و گرما می‌بخشد و نشانه حیات، سرچشمه نیروی انسان، کیهان و مظهر مجسم نیروهای آسمان و زمین است، «پدر بشر» نامیده می‌شود... در کیش‌های بی‌شمار خورشیدپرستی، لحظات اسرارآمیز و ناپیدایی ناگهانی‌اش، مواقع سجده و عبادت خورشید است. خورشید در بعضی مناطق، رمز بی‌مرگی و رستاخیز با رمزی دوسوگرا و دوپهلوست. دور روزانه‌اش، رمز زندگی انسان تلقی شده؛ بدین معنی که دمیدن و بالا آمدنش تا وصول به نقطه اوج مدار در آسمان و سپس غروب کردنش، در ذهن مردم با مراحل مختلف زندگی: ولادت، رشد و افول و مرگ، برابری یافته است. (دوبوکور، ۱۳۹۴: ۸۱).

عیلامیان به خدایان متعدد معتقد بودند. یکی از آنها، خدای خورشید بود که «ناهونته» می‌نامیدند و مانند سایر خدایان خویش می‌پرستیدند و پادشاه را نوکر و خادم باوفای او می‌دانستند. طبق باور آنان، برخی خدایان، ارواح پادشاهان و کاهنان برجسته در خورشید ساکن بودند. به همین دلیل، هر ساله جشن‌ها و مراسم مذهبی را برای بزرگداشت و جلب توجه ناهونته برگزار می‌کردند. زیگورات‌ها نیز در این بین نقش واسطه‌ای برای نزدیک شدن به خورشید را داشتند و علاوه بر تداعی همه معانی پیش‌گفته، حرکت نور خورشید بر طبقاتشان به نوعی ساعات اوقات روز، روزهای ابتدایی و میانی هر فصل و حتی چهارفصل سال را مشخص می‌کرد. در اساطیر بخش بزرگی از اقوام بین‌النهرین مانند؛ سومر، آکد، بابل، عیلام و آشور، خدای «شمش» ایزد خورشید، ایزد قانون و دادگری است و خاستگاهش از کوهسار شرق است. خدای خورشید و اینشوشیناک در متون عیلامی، به عنوان خدایان نور و تاریکی و خدایان زمین و قلمرو مردگان معرفی می‌شوند. خدای خورشید عیلامی «ناهونته»، یا همان «خالق روز» و مأمور ویژه اجرای قانون بود. در معاهده ۲۲۸۰ ق.م، خدای خورشید به مکان پنجم، افق اینشوشیناک، تعلق داشت. خورشید در نقش خود به عنوان دادگر و قاضی، سایه‌های ظلم و عصیان را پاک و خطاکاران را با روشنایی‌اش به دام انداخته و مجازات می‌کند. او به تعبیری واسطه بین مردم و خدایان برای تحقق آرزوهایشان بود.

نکته قابل توجه دیگر جملاتی است که به نشان تقدس معبد و اهمیت نقش خورشید بر برخی از آجرهای زیگورات چغازنبیل، حک شده است: «من اونتاش ناپریشا، پسر هوبانومنا، شاه آنزان و شوش به خدای ناهونته نماز گزاردم. آن را در مکان مقدس قرار دادم. باشد که اعمال و کارهای من مورد قبول خدای ناهونته واقع، رب مکان مقدس قرار گیرد. در طول سال‌ها و روزها یک حکومت طولانی به دست آوردم که با سلامتی من همراه بود». (خواجه عبداللهی، ۱۳۸۳: ۴۸). به‌طور کلی، نمادهای متعدد منسوب به خورشید، نشانه باورهای رمزگونه مردم در سراسر تاریخ نسبت به خالق خود بود. تا از این طریق مفهوم وحدت وجود را به شکل سمبولیک و با ابزار هنر نمایان سازند. به این ترتیب، این نماد همراه با باورها و آیین‌هایش، در سرتاسر تاریخ تمدن بشری تا به امروز حضور و استمرار یافت و با گذر زمان خود را با فرهنگ‌های گوناگون، تطبیق داده است.

۲.۲. ماه و باورهایش: ماه یکی دیگر از نمادهایی است که، ریشه در باورهای آیینی پیشینیان دارد و از آن در فرهنگ و هنر خویش، بهره جسته‌اند. عیلامیان هم از این باور بی‌بهره نبودند و مانند سایر اقوام ابتدایی آن را می‌پرستیدند. «در ایران باستان قبل از زرتشت به خاطر ایمان به خدایان متعدد و پرستش طبیعت، ماه که شب تیره و ظلمانی را روشنی می‌بخشد همواره به

عنوان یکی از خدایان ستایش شده است... در تمدن‌های اولیه ایران و عیلام، اولین خدایی بود که ستایش می‌شد. با قطعیت می‌توان ماه را عمده‌ترین و اساسی‌ترین مقوله در آیین دینی این دوران به حساب آورد» (آزاد بخت، ۱۳۸۹: ۱۰۹). ماه حیات گیاهان و جانوران و نماد آب‌های زیرزمینی است. در سراسر جهان، ماه را بخشنده باروری و حاصلخیزی، نشانه فراوانی، تجدید و احیای قدرت پنهان و تغییرات تکان‌دهنده می‌دانند. بارندگی با تأثیر جاذبه ماه بر جزر و مد صورت می‌گیرد. در داستان آفرینش، نگه‌دارنده و حافظ تخمه گاوی است که در پدید آمدن حیات گیاهی و جانوری نقش عمده دارد. ماه مقیاسی عمومی در سراسر جهان است. زمان‌های محاسبه‌شده به واسطه مراحل تغییر ماه، زمانی گویاست. (پورخوش، ۱۳۹۵: ۱۸۰) «ماه جسم بی‌جان گاو را هستی می‌بخشد یعنی زندگی چارپایان را باعث می‌شود. چرخ و گردونه نیز از دوران بسیار کهن وسیله نقلیه ماه بوده است که چهار گاو آن را حرکت می‌دادند». (صمدی، ۱۳۸۳: ۹۵)

در نوشته‌های باستانی ایرانی آمده که اهریمن، گاو را می‌کشد و نطفه او را در ماه نگهداری می‌کند. گاو به ماه مربوط است و شاخ هلالی‌اش، هلال ماه را تجسم می‌کند. گاو و شاخ‌هایش نماد مستقیم و جداناپذیر ماه هستند. اهمیت روحانی این پیوند به حدی است که هردوی این عناصر در تزیین بنای زیگورات چغازنبیل به کار رفته‌اند. «جدیدترین نمایش زیگورات در یکی از نقوش برجسته کاخ آشوربانیپال ارائه شده است. در این نقش برجسته، زیگوراتی را با چهار طبقه می‌بینیم که ساختمان معبد بالای آن قرار دارد. چهارگوشه این معبد، با شاخ‌های بزرگ تزیین شده است و این با اطلاعاتی که آشوربانیپال درباره تزیین معبد زیگورات شوش در اختیار ما گذاشته است، مطابقت دارد». (یوسف زاده، ۱۳۸۰: ۸۸) درواقع «جالب‌ترین ویژگی معابد این دوره سه شاخ بزرگ است که در هر طرف دیوارهای معبد نصب شده است و ما را به یکی از عجایب ساختمان معابد عیلامی متوجه می‌کند که تا به حال از آن چشم پوشیده‌ایم.

سنگ‌نبشته‌های عیلامی میانه، ثابت می‌کند که این شاخ‌ها جزء مهمی از هر معبد را می‌ساختند چون نماد ماه و الوهیت بود... آشوربانیپال در جریان فتح شوش، «شاخ‌های برنزی ریخته‌گری شده» را از زیگورات برمی‌کند. یکی از کنده‌کاری‌های قصر سلطنتی او در نینوا، معبد مرتفع همین زیگورات را در شوش با دو ردیف شاخ بسیار بزرگ در قسمت جلویی آن، تصویر می‌کند. «هینتز، ۱۳۸۹: ۶۴-۶۵) شاخ چون ماه، مظهر زاینده‌گی و باروری است و در فرهنگ هندواروپایی، نشان دفع بلا، شومی و چشم‌زخم است. در قرآن هم، واژه «ذوالقرنین» به معنی «دارنده دو شاخ» ذکر شده است. باورهای متعلق به خورشید و ماه با همه منسوبان‌شان، کلید بسیاری از مفاهیم به‌ویژه در هنر معماری‌اند. آگاهی از خاستگاه این مفاهیم، ما را با فرهنگ ملی، هنر و بینش تمدن‌ها، بیشتر آشنا می‌کند که اغلب بر مسائل اعتقادی متکی هستند. در زیگورات چغازنبیل، این دو به عنوان خدایان روشنایی و تاریکی، سرچشمه حیات و حاصلخیزی، نشان مرگ، رستاخیز و محل استقرار خدایان و ارواح، نماد قانون، عدالت و دادگری، دورکننده بلا و افزایشنده آب‌ها، باروری و زاینده‌گی به کار رفته‌اند.

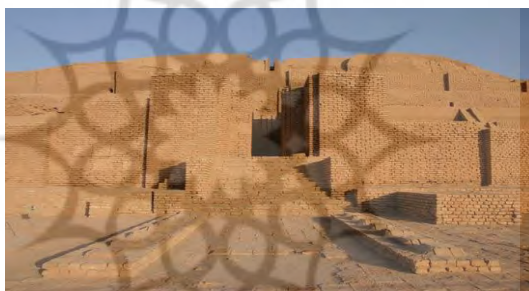
۳- اهمیت و نقش پلکانی بودن:

پلکان‌های مسقف زیگورات چغازنبیل، جالب‌توجه است، «ارتفاع آنها با یکدیگر کاملاً تفاوت دارد. در وسط هر یک از چهار طرف زیگورات، یک مجموعه پلکان وجود دارد (تصویر: ۴). همه این پلکان‌ها به طبقه اول منتهی می‌شود و در طرف شمال شرق و شمال غرب، فقط تا طبقه اول ادامه می‌یابد؛ اما پلکان‌های طرف جنوب غرب، علاوه بر طبقه اول به طبقه دوم هم منتهی می‌شود؛ از این میان، پلکان‌های قسمت جنوب شرق، جالب‌ترین آنها است، چنانکه می‌باید درخور «قسمت شاه» باشد... یک پلکان پنجم در طبقه چهارم به در ورودی معبد بالا منتهی می‌شد، منتهی نه از طریق ادامه دو «پلکان‌های شاه» بلکه در قسمت شمال شرق یا قسمت «تماشاگران». در اینجا تصور روشنی دریافت می‌کنیم از اینکه در نظر یک عیلامی انتخاب راه وصول مستقیم به معبد تا چه حد بی‌حرمتی جلوه کرده است. این راه می‌باید مورب یا پس از دور زدن از یک گوشه، ساخته می‌شد». (هینتز، ۱۳۸۹: ۲۰۵)

در رابطه با مورب بودن ورودی‌ها، پلکانی و مارپیچی بودن معابد، نظریه‌های مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که این مسئله به اعتقاد دور از دسترس بودن مکان خدایان برمی‌گردد. به همین دلیل معابد را بر فراز کوه‌ها و یا مرتفع می‌ساختند.

پس از گذشت زمان و با تعلیل این تفکر، همچنان تفکر وصول به خدایان و جایگاهشان به وسیله مسیری مستقیم، غیرقابل پذیرش محسوب می‌شد. نمود این طرز تفکر را در زیگورات‌ها به وضوح می‌توان دید. آنان برای رعایت احترام و دوری از توهین، نسبت به خدایان و ارواح مقدسشان که در بالاترین قسمت معبد جای داشتند، همه راه‌ها را با پیچ‌وخم‌های زیاد که زوار را ملزم به دور زدن کامل آن می‌کردند، پلکان‌هایی با ارتفاع متفاوت و ورودی‌هایی مورب می‌ساختند. چهار سری پلکان در چهار طرف معبد، مسیر صعود به بالاترین طبقه بودند که با بالا رفتن از آنها، به مرکز عالم نزدیک شده و از مرتبه عالم خاکی به عالم برتر می‌رسیدند. پلکان‌ها، در اکثر ادیان و تمدن‌ها، واسطه‌ای برای رسیدن به جایگاه کیهانی معابد، وسیله اتصال زمین به آسمان، ملاقات و هم‌نشینی با خدایان، نماد سیر صعودی از خاک به عرش، گذر مرتبه‌ای از عالم جسمانی به عالم روحانی و مجرد معرفی شده‌اند. مثلاً: «عروج شمن‌ها به کمک نردبان، درخت کیهانی پلکانی، نردبان هفت پله‌ای که راز آموز در آیین میترا از آن بالا می‌رود و نردبانی که راز آیین‌های قربانی از خود می‌سازد تا به جهان کیهانی برسد، همه نمایانگر فرا رفتن از جهان مادی با دستیابی به رفعت عالم است و رسیدن به عالی‌ترین نقطه کمال که با مرکز کیهان برابر گرفته شده است... بالا رفتن از پلکان نه تنها دستیابی به تقدس است، بلکه مرگ و عروج روح را نیز نمادپردازی می‌کند». (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۱۸)

زیگورات چغازنبیل فرمی ایستا دارد و نه پویا و به نظر می‌رسد که حاصل آشکارسازی نظمی پنهان باشد و نه نتیجه ترکیبی صرفاً عینی. هدف آن ضرورت است، نه بیانگری محض. پلان مربع شکل این عبادتگاه، نماد جهان است و فضای مطبقش نمود شکلی که زمین و آسمان را در خود جای داده است؛ و درعین حال جدا کردن طبقات به صورت پلکانی، همچون چرخ کیهانی، مانند پل ارتباطی، زمین و فلک را به یکدیگر متصل نموده و گذار از یکی به دیگری را میسر می‌سازد.



تصویر ۴- قسمت پلکانی زیگورات چغازنبیل، مأخذ: ARTICLE.TEBYAN.NET

معماری چغازنبیل و رمز اعداد وابسته به آن

زمانی که نمادها، نشانه‌ها و باورهای سازنده‌شان در سطوح مختلف فرهنگ، آیین و مراسم مذهبی تمدنی رسوخ یابند، بدون شک بیش از هر چیز، در هنر آن تمدن نمود می‌یابند. در این بین برخی از اعداد مورد توجه و تقدس انبای بشر بوده‌اند و بخشی از دنیای حیرت‌انگیز نمادها و معانی اسطوره‌ای را به خود اختصاص می‌دادند. انسان در مسیر کشف حقایق و رموز بیکران هستی، از اعداد با همه اسرارش در بستر تخیل ذهنی، بهره می‌برد. فیثاغورث اعتقاد داشت، همه نشانه‌های زمینی و آسمانی جهان، انعکاسی از اعداد هستند. افلاطون هم اعداد را مظهر هماهنگی عالم و ارسطو، عدد را منشأ و جوهر همه چیز می‌دانست. در فلسفه یونانی اعداد درک و جنسیت داشتند. اعداد فرد مذکر و زوج مؤنث بودند. برخی نیز معتقد بودند: بدون اعداد نمی‌توان چیزی را شناخت. در تمدن‌های باستانی مانند سومر و بابل که عیلامیان به شدت متأثر از آنها بودند، نظام‌های عددی پیچیده و معناداری وجود داشتند و حتی آن‌ها را مورد پرستش قرار می‌دادند و در همه جنبه‌های زندگی‌شان نمود عینی داشت. برای اغلب این تمدن‌ها، عدد، اصلی بنیادین بود که حاصلش، جهان عینی و ریشه همه چیز و نشان عالم هماهنگ نهفته بود. ساختار معماری زیگورات چغازنبیل دارای پنج طبقه، چهار درب ورودی به سمت چهار جهت جغرافیایی، چهار سری پلکان در چهار طرف و هفت سکو است. عیان بودن اعداد چهار، پنج و هفت در این بنا، بدون شک از فلسفه خاصی برخوردار است. از آنجاکه کاربرد اعداد نه فقط شمردن بلکه از ابتدا با باورها و نمادهای ملل در ارتباط بوده و هست، احتمال اینکه استفاده از این

عناصر، بر اساس نیاز کاربردی، اعتقادی و ساختاری در بنای زیگورات چغازنبیل باشد، وجود دارد. باین‌حال، در اینجا به مختصری از معنا و مفاهیم سمبولیک اعداد غالب بر بنای زیگورات چغازنبیل، اشاره خواهد شد.

۱- عدد چهار:

چهار موجود مقدس، از کهن‌ترین باورهای مذهبی مردم باستان به شمار می‌روند. به نظر می‌رسد این حامیان که بنا بر اعتقادی به منظور آموزش چهار جهت اصلی در چهارگوشه جهان، حیات یافته‌اند، همان نیروی نخستین بزرگی باشند که از پروردگار ناشی می‌شوند. آنان از همان ابتدای آفرینش، در سراسر عالم سرشار از هرج و مرج، زندگی و نظامی هماهنگ، قانونمند و منظم را پدید آوردند و با بهره‌گیری از نمادهایی خاص با این نیروها زندگی می‌کردند. چهار درب ورودی دقیقاً به سمت چهار جهت اصلی جغرافیایی، چهار سری پلکان در چهار طرف معبد چغازنبیل قطعاً با تفکری خاص و معنادار خلق شده‌اند. از طرفی ساختمان‌های مدور اطراف زیگورات که در نزدیکی پلکان‌ها، البته غیر از قسمت «دروازه شاه» قرار دارند، نیز هریک صاحب چهار متر قطر و چهار فرورفتگی هستند. تکرار این عدد در بخش‌های مختلف، پرسش‌های زیادی را شکل می‌دهد. پرسش‌هایی که باعث مرور معانی نمادین این عدد در فرهنگ‌های گوناگون و دستیابی به نزدیک‌ترین تعبیر به کاربرده شده در ساخت این بنای شگفت‌انگیز می‌شود. (پورخوش، ۱۳۹۵: ۷۸)

چهار یکی از کامل‌ترین ارقام است. به معنی کلیت، تمامیت، زمین، نظم، عقل، اندازه و عدل. چهار نشان‌دهنده: چهار جهت اصلی، چهار فصل سال، اضلاع مربع، بازوان صلیب، چهارعنصر، چهارستون عالم، چهار منزل قمر، چهار مزاج، چهار بهشت و... است. از دورترین اعصار، حتی اعصار نزدیک به پیش‌ازتاریخ، برای نشان دادن آنچه مستحکم، ملموس و محسوس است، استفاده می‌شد. این عدد نمادی است از دنیای مستقر و سازمان‌یافته که حرکت در آن، از نقطه‌ای ساکن آغاز می‌گردد و با رفتن به چهارسوی اصلی، صلیب یا مربع را می‌سازد... تعداد عوامل نیز چهارتاست: ناسوت، ملکوت، جبروت و لاهوت. (نورآقایی، ۱۳۹۳: ۴۸) «بسیاری از شهرها، معابد و اماکن مقدس و حتی تصویری که از بهشت وجود دارد، دارای چهار دروازه هستند. از طریق این دروازه‌ها اثرات نحس بیرون رانده و اثرات سعد جذب می‌شد. این چهار دروازه مردم را پذیرا می‌شد و فضایل شاهانه را در ایالت شاهی گسترش می‌داد و ساعات روز و فصل را تنظیم می‌کرد». (همان، ۶۱-۶۲)

در معماری مذهبی نیز عدد چهار بسیار مشاهده می‌شود؛ مثلاً در مساجد ایرانی-اسلامی، وجود چهار ایوانی به نشانه چهار مذهب حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی، «استوپا»های بودایی با چهار درب بزرگ در برابر چهار جهت اصلی و معبد چغازنبیل با چهار درب ورودی‌اش، همگی نشان از اهمیت و تقدس این عدد در ادیان و تمدن‌های مختلف دارد. شاید بتوان گفت؛ اساس بنای چهارگوش، وجود چهار درب و چهار راه‌پله در بنای زیگورات چغازنبیل اشاره به همان چهار درب بهشت و چهار موجود مقدس و وجود این حامیان در چهارگوشه زمین به منظور آموزش چهار جهت اصلی و چهار رکن عالم به بشر باستان دارد.

۲- عدد پنج:

عدد پنج کاربرد چندان گسترده و فراگیری در دنیای معانی و مفاهیم نمادین ندارد. باین‌حال در بسیاری ادیان و فرهنگ‌ها باورهای خاص خود را به همراه دارد. به‌عنوان مثال در اسلام به نشانه تعداد، نمازهای روزانه، ستون‌های دین و پنج‌تن آل عبا به کار می‌رود. جوزف کمپل معتقد است: «عدد پنج با طراحی زیگورات‌ها در ارتباط است، به این معنی که زیگورات‌ها چهارضلعی ساخته می‌شوند و قله‌شان رو به سمت آسمان است که در مجموع پنج نقطه را تداعی می‌کنند. به طور مثال، زیگورات چغازنبیل در نزدیکی شهر شوش چهارضلعی است که روی به آسمان دارد و در داخل دایره‌ای محاط شده است». (نورآقایی، ۱۳۹۳: ۶۶-۶۷)

همان‌طور که قبلاً گفته شد؛ طبق معاهده ۲۲۸۰ ق.م، خدای خورشید در مکان پنجم، یعنی افق و جایگاه این‌شوشیناک سکنی دارد. از این معاهده و تفکر بیان‌شده در آن، می‌توان به عنوان سندی معتبر، جهت بازگشایی یکی از دلایل پنج طبقه ساخته شدن زیگورات چغازنبیل بهره برد. علاوه بر آن «پنج، عدد وصلت الهی یا همانی است که از آن به عنوان ازدواج مقدس و

یا گاهی روسپیگری مقدّس نام برده می‌شود، زیرا حاصل ترکیب عدد مؤنث و زوج دو و عدد مذکر و فرد سه است. $(2+3=5)$ » (شایگان - ارجمند، ۱۳۸۲: ۶۵)؛ و امر ازدواج مقدّس هم طبق اعتقادات و باورهای مردم عیلام، در آخرین طبقه زیگورات چغازنبیل و طی مراسمی خاص انجام می‌شد. پنج عدد مرکز، هماهنگی و توازن است. این عدد نشانه پنج نقطه انتهایی بدن انسان یعنی سر، دو دست و دو پا و پنج حس او نیز هست. پنج، نشان چهار جهت اصلی نیز هست که در پنجمین نقطه به وحدت و مرکزیت منتهی می‌شوند.

۳- عدد هفت

هفت، یکی از پرکاربردترین و جالب‌توجه‌ترین اعداد در فرهنگ و باورهای معنوی مردم بوده و هست. هفت دروازه و هفت سکوی چغازنبیل، دیواری که زیگورات چغازنبیل را احاطه نموده نیز، دارای هفت دروازه است و هفتمین دروازه ارزش بسیار داشت. هفت، یکی از اعداد مقدّس در اکثر ادیان است که بنا به اعتقاد گروهی، نشانه طی شدن دوره هفت‌ساله رشد و رسیدن به کمال اخلاقی و معنوی است. نماد تغییر در همه ابعاد زندگی بشری و آغازی شگفت‌انگیزتر.

هفت، نماد برکت، باروری و فراوانی نعمت است. «نخستین عددی است که هم مادی و هم معنوی است و از طریق نمادها، آسمان و زمین را به هم متصل می‌کند. هفت یعنی کمال، امنیّت، ایمنی، آرامش و وفور. عدد مادر کبیر است و به اعتقاد فیلن، هفتمین قوه هر عددی هم مربع است و هم مکعب. نماد پیچیدگی و تودرتویی است و سمبل مراتب کمال و تعالی». (نورآقایی، ۱۳۹۳: ۷۶) گفته می‌شود، برای اولین بار سومریان، متوجه این عدد و ارتباطش با سیّارات شدند؛ بابلیان هم آن را عدد سیّارات می‌دانستند. شاید دلیل این مسئله تعداد هفت سیاره خورشید، ماه، تیر، بهرام، ناهید، برجیس و کیوان بود که تا آن زمان کشف و شناخته شده بودند. به این ترتیب اهمیت این عدد در کیهان‌شناختی نیز نمود پیدا می‌کند و «با هفت آسمان، هفت سیاره، هفت فلز و هفت رنگ در ارتباط است... در حقیقت زیگورات‌ها با عدد چهار، پنج و هفت در ارتباطند: چهار زاویه زیگورات رو به چهار جهت، این چهار جهت به اضافه قله آنکه رو به آسمان بود، پنج نقطه می‌شدند که از این راه خدایان به زمین آورده می‌شدند». (همان، ۷۶-۷۷)

اعتقاد به گذراندن هفت وادی برای رسیدن به کمال و تولدی دوباره، باور به هفت‌اقلیم و شهر خدا و معرفت محض بودن اقلیم هفتم، باور و کاربرد هفت‌سین سفره نوروزی ایرانیان باستان، همگی از باورهای وابسته به این عدد هستند. در اندیشه اسلامی هم که کم‌وبیش متأثر از باورهای پیشینیان است، اعتقاد به هفت‌طبقه جهنم، هفت‌دریا، قرار گرفتن هفت موضع بدن هنگام سجده بر زمین و هفت بار طواف کعبه دیده می‌شود. «در عرفان نظری، عروج به سوی عرش الهی به واسطه فیض الهی و با گذر از لطایف هفتگانه ممکن است این گذر به دو صورت قوس عروج و قوس نزول نشان داده می‌شود». (بلخاری قهی، ۱۳۸۴: ۷۹) عدد هفت برخلاف سایر اعداد ما را به میدان گسترده‌ای از معانی و تفاسیر بی‌پایان رهنمون می‌شود که بی‌شک معماران در ساخت بنای زیگورات چغازنبیل از آن به‌خوبی بهره برده‌اند.

تجلی اشکال هندسی در معماری نیایشگاه چغازنبیل

استفاده از اشکال و اعداد و رموزشان در معماری، همواره منشأ و بیانگر سیطره وسیع اعتقادات و باورها بر جوامع بشری تا به امروز بوده است. معماران، در گذشته و حال، هرگز از عناصر زائد و بدون پیشینه فکری، استفاده نمی‌کردند. آنان به فراخور ویژگی‌ها، معانی و مفاهیم زمان خویش، از همه عناصر، با هدف حظ بصری، برآوردن نیازهای روحی - روانی و معنوی استفاده می‌کردند. طراحی زیگورات چغازنبیل، بیشتر مبتنی بر دو شکل، مربع و دایره است. (تصویر: ۵). معماران عیلامی، با آگاهی بر این دو شکل هندسی و باورها و معانی آیینی آنها، چغازنبیل و محوطه اطرافش را با نوعی از طراحی منظم و قاعده‌مند بنا نمودند، ساختاری مربع (مکعب) شکل، با سکوه‌های دایره‌ای برای انجام مراسم مذهبی و قربانی. در این بخش نیز، به بیان مختصری در مورد مربع، دایره و ارتباط احتمالی این دو، در شکل‌گیری بنای زیگورات چغازنبیل می‌پردازیم:



تصویر - ماکت محوطه بنای زیگورات چغازنبیل مبنی بر دو شکل دایره و مربع، مأخذ: مسعود عجمی در سایت تبیان.

الف- جایگاه و رموز مربع: قاعده اصلی و بنیادین زیگورات چغازنبیل، مربع شکل است. چهارگوش یا مربع (مکعب) که همچون عدد هفت از جایگاه ویژه و بااهمیتی برخوردار است، «نماد ثبات، پایداری و نشان «بخت و اقبال» است. همچنین تکیه‌گاه «تاریخ» است. گاهی آن را به صورت چندوجهی با بیش از شش وجه نشان می‌دهند که در آنجا، نماد این اصل فیثاغورثی است که عدد و شکل، اساس کیهانی را تشکیل می‌دهند». (هال، ۱۳۹۳: ۱۷). از دیدگاه فیثاغوریان مربع، نماد جان است. نماینده وحدت گونه‌ها و نشان‌دهنده برابری یک چیز با خودش و می‌تواند نمادی از عدالت قانونی تلقی شود که همه را به یک چشم می‌نگرد و از نظر افلاطون، مربع نماینده هماهنگی است که عالی‌ترین فضیلت به شمار می‌رود. گاهی مربع بیانگر محدودیت است و در معماری مقدّس یعنی معرفت متعالی و صورت مثالی ناظر بر کارها. (نورآقایی، ۱۳۸۹: ۵۴).

«مربع مصداق صوری عدد چهار، رقم کمال الهی و تکمیل تجلی است. بنا بر هندسه اقلیدس، چهار در حد صورتی ایستا، مربع می‌گردد. مربع به مفاهیم زیر اشاره دارد: صور جسمی، طبیعی و عنصری در انسان، فرشتگان و اوتاد چهارگانه، خواطر و مرگ‌های چهارگانه، حقایق چهارگانه الهی، عناصر اربعه، طبایع چهارگانه و عرش الهی». (اکبری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵). «دو ویژگی ذاتی مکعب و مربع (ایستایی و ثبات) آنها را مناسب‌ترین صورت برای برپایی بناهایی قرار می‌دهد که مقرر است نماد ثبات باشند: مکعب از این‌روی رمز یا نمادی به شمار می‌رود که در مقام تفصیل به زمین و در مقام اجمال به آدمی اشاره دارد. مکعب «انسان» باز نمودی نمادین است از ویژگی‌های ظاهر و او که میان او و زمین و آسمان‌ها مشترک است». (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۲۹).

«ابن‌سینا معتقد است: چهارعنصر سطوح را می‌سازند که الزاماً باید مستقیم باشند تا تماس آنها خلأ پیش نیابد و چون ساده‌ترین شکل‌ها مثلث است پس همه اجسام از مثلث ساخته می‌شود. از این‌قرار که آتش به شکل هرمی است که قاعده آن چهار مثلث است و آب شکلی است از بیست قاعده مثلث و هوا از هشت قاعده مثلث و خاک مکعبی است که از سطوح مربع ساخته می‌شود و مربع هم بالقوه از مثلث ساخته می‌شود». (ابن‌سینا، ۱۳۱۹، فصل ۱۲). از آنجاکه اعتقادات قدما همواره در باورهای تمدن‌های آتی خود مؤثر بوده‌اند، بعید نیست که منشأ این طرز تفکر ابن‌سینا نیز به گذشته‌های دور ایرانیان باستان، وابسته باشد. چرا که نیایشگاه چغازنبیل قاعده‌ای مربع شکل دارد. از طرفی هرم آن هم صاحب چهار قاعده مثلث شکل است و مفاهیمی چون آب، خاک و آتش (خورشید) نیز برای عیلامیان همچون سایر تمدن‌ها مهم و بارز بوده است. قاعده مربع این بنا، به تکرار عالم و آدم ثبات، قوام و نظم بخشیده و در سایه قانون آنها را به اعتدال و توازن ابدی نائل می‌سازد و بر صحت و وسقم نقش قانون‌گذاری خورشید تأکید مؤکدی است. در محوطه زیگورات چغازنبیل، معابد کوچک مربع شکل دیگری هم وجود دارند.

ب- فلسفه و کاربرد دایره: زیگورات چغازنبیل توسط محوطه‌ای دایره‌ای شکل احاطه شده است. علاوه بر آن سه ساختمان مدور نزدیک پلکان‌های زیگورات، قرار دارند. دایره به عنوان سمبلی دینی، در تمدن‌هایی با تفکر خورشید- خدا نقش مهمی را ایفا می‌کرد. خورشید به شکل دایره تصور می‌شد و به عنوان نمادی مقدس به کار می‌رفت. در اکثر تمدن و فرهنگ‌ها، دایره نماد آسمان و قداست است؛ و در پیوندی ناگسستنی با شکل چهارگوش یا همان مربع؛ و مربع که بر چهار پهلو استوار است، متضمن تصور استحکام، استقرار، رکود، ایستایی و نمودگار زمین است. گاهی هم برعکس، دایره نماد زمین و مربع نشان آسمان و زمان قرار می‌گیرد. بهشت و دوزخ نیز، اکثراً، دایره‌ای شکل تصور می‌شوند. این رابطه دیالکتیکی دایره و مربع، گاهی به معنی استحاله شکل کروی آسمان به شکل چهارگوش زمین و برعکس است و به معنی تبدیل مداوم از شکلی با ثبات و معین به شکلی نامتناهی است. این قبیل مناسبات دیالکتیکی میان عالم روحانی و متعالی که بشر در همه زمان‌ها، طالب مشتاق آن است و گره خاکی، چنین بیان می‌شود. (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۱۰۴).

«کارکرد دایره در اسطوره‌ها، رؤیاها، ماندالاها، آیین‌های پرستش خورشید و نیز نقشه‌های قدیم شهرها، بیانگر توجه به «تمامیت» به عنوان اصلی‌ترین و حیاتی‌ترین جنبه زندگی انسان است». (یونگ، ۱۳۷۸: ۳۷۹). نماد وحدت، کمال عدالت و برابر، ابدیت و بی‌انتهایی است. بسیاری تمدن‌ها معتقدند، دایره قدرت احاطه و در بند کردن نیروهای شر و عوامل و آثارش را دارد. به همین دلیل وقتی کسی دچار غش، صرع و یا مانند آن می‌شد، دورتادور او را دایره می‌کشیدند تا ارواح خبیثه و نیروهای وهم‌آلود، به دام افتاده و بیمار را رها سازند. در اینجا دایره به عنوان نماد سلامت و رهایی از قیدوبند نیروهای شر و عواقب خشم خدایان جلوه می‌کند. کهن‌ترین ابنیه نیز، اکثراً، در فضایی مدور و دایره‌ای شکل محاط شده‌اند و اعتقاد بر این است که، این فضای دایره‌ای، به نحوی جادویی و اسرارآمیز حافظ و نگاه‌دار بنا و هر چیزی است که درونش قرار دارد. به گفته میرچا الیاده، دایره ساختن و دایره زدن ایمنی‌بخش است و مانع از هجوم ارواح خبیثه، چنان‌که دایره بستن گرداگرد مقابر، مانع از سرگردانی و ولگردی جان‌ها می‌شود و وسیله حفاظت و صیانت آنهاست و باعث باقی ماندنشان در فضایی مقدس، زیرا حلقه دور معابد، نشانه آن است که فقط راز آشنایان می‌توانند از آن خط بگذرند. (دوبوکور، ۱۳۷۳: ۹۳).

در فرهنگ و تمدن‌های آسیایی به کار بردن اشکال هندسی مربع و دایره کنار یکدیگر، با تفکر ماندالایی نسبت دارد. ماندالا به عنوان بخشی از مفهوم هندسه مقدس، مبنای خلق آثار هنری است. «پیوند مربع و دایره در ماندالا بسیار گسترده و حاوی معانی سمبولیک و رازگونه چندی است. در برخی از ماندالاها سیر از سوی دایره آغاز و به مربع ختم می‌شود و این خود نمادی است از فراهم کردن زمینه‌های زمینی برای تجلی بی‌کرانگی نامحسوس آسمانی در قالب محسوس زمینی خود، یعنی معبد». (ذکرگو، ۱۳۷۸: ۸). با وجود تلفیق دو شکل هندسی دایره و مربع در معماری زیگورات چغازنبیل، شاید بتوان آن را نمونه‌ای از یک ماندالا دانست که بنای زیگورات نماینده تجسم وحدت الهی، رشد و بالندگی، نهایت کمال و دایره‌های اطرافش نمادی از گردش آسمان، حول مرکز عالم است. مرکز عالمی که خلقت و آفرینش همه‌چیز از آن نشأت می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

بنای زیگورات چغازنبیل، نمونه بسیار زیبایی از تلفیق هنر معماری و مذهب است که در تمامی ساختار و اجزایش نشان از حاکم بودن بینشی عمیق دارد. این نیایشگاه، با استفاده از شیوه طراحی و ساختاری‌اش، فرهنگ شفاهی مردمانی را به ما منتقل می‌کند که در بیان و ارائه تفکرات خویش، به شیوه‌های گوناگون و به بهترین شکل ممکنه، کوشا بوده‌اند. بی‌شک مضامین و

- ماهیت مذهبی-آیینی، انعکاسی همه‌جانبه بر عرصه زندگی، هنر و به‌خصوص معماری آنان داشته است. معماری باشکوه زیگورات چغازنبیل، تجسمی عینی از جهان‌بینی خاص و اعتقادات خالصانه عیلامیان است که در صورت عدم شناخت و بررسی دقیق شاخصه‌ها، همواره در حاله‌ای از ابهام باقی خواهد ماند. بر اساس آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد:
- انسان از ابتدای خلقت خویش، خود را محصور نیروهای ماورائی و رازآلود می‌دانست که همه وجوه زندگی زمینی و آسمانی‌اش را فراگرفته بود؛ بنابراین برای تمسک و جلب رضایتشان، رسیدن به آرامش فراگیر و نعمت‌های بیشتر، دست به روایت باورها، عقاید و انجام آیین‌هایی زد که به اعتقادش، او را در رسیدن به هدف یاری می‌رساند.
 - جستاری گذرا بر تاریخ تمدن، نمایانگر حضور همیشگی نیایشگاه‌ها به عنوان مرکز و هسته پرقدرت وحدت و جلوه‌گاه اقتدار ادیان و آیین‌هاست؛ بنابراین، تداوم و ادامه حیات ادیان، باورها و اندیشه‌های آیینی، نیازمند عنصر مهم مکان‌مندی است. در حقیقت، معابد و مکان‌های مقدس، به باورها و شیوه برخورد و تفکر تمدن‌ها جنبه عینی بخشیده و آنها را در تجمع هدفمند انسانی، سازمان‌دهی می‌کنند.
 - یکی از شاخص‌های رمزگشایی معابد این دوره، استفاده بهینه از باورها و آیین‌ها با ابزار نماد و نشانه‌ها است و هنرمندان با استفاده از دانسته‌های خود و بهره‌گیری از باورهایی نمادین، گامی مهم در جهت ارائه و اثبات مفهوم و معانی باطنی فرهنگ، اندیشه‌های مذهبی و باورهای حاکم بر زمان خویش برداشتند. مفاهیمی که گذشته از جنبه زیباشناسانه‌اش، تفکری بنیادین را به همراه دارد. تعامل و پیوند عمیق و تنگاتنگ نیایشگاه‌ها و باورهای شکل‌دهنده آنها قدمت، هویت و اصالت تمدن‌ها را آشکار می‌سازد. به بیان دیگر، هنر معماری به‌ویژه در مکان‌های مذهبی نمایاننده‌ی نماد و نشانه اصلی باورها و اندیشه‌های یک ملت است.
 - در بین بناهای مذهبی، بنای زیگورات چغازنبیل هم، با طراحی و جلوه‌ی نمادینش، محوری‌ترین عامل شکل‌دهنده صورت
 - ذهنی و عینی باورهای آیینی-مذهبی و اوج هنرعیلامیان است. این بنا با محور عمودی خود معرف مسیری است که به واقعیتی روحانی و متعالی منتهی می‌شود. تفکری کهن که ما را از پست‌ترین مرحله زندگی دنیوی به عالی‌ترین مرتبه آسمانی رهنمون شده و بین این دو ارتباطی ناگسستنی برقرار می‌سازد.
 - اطلاعات و دانش ما در رابطه با تمدن غنی عیلامیان و فلسفه نیایشگاه‌های آنها بسیار اندک است. یکی از راه‌های رسیدن به این شناخت و آگاهی، بررسی این بناها در بستر تاریخی، اجتماعی، فرهنگی تمدن‌های معاصر، در کنار پیوند هنر و عقاید است که از طریق آن، به باورهایی پویا و مشترک برمی‌خوریم که بر روح، اندیشه، رفتار و ذائقه مردم زمان، تسلطی فراگیر داشته و به شکلی کاملاً نمادین در طراحی و ساخت بناهای آنها و به طور خاص در زیگورات چغازنبیل، به کار رفته است. باورهایی که تنها با کاوشی اصولی در مفهوم نیایشگاه‌هایی چون زیگورات چغازنبیل و تجزیه و تحلیل جزء به جزء آن و با کمک گرفتن از فرهنگ نمادین و مشترک ملت‌ها، بازگشایی و ما را به مقصود می‌رسانند.

منابع

۱. ابن‌سینا، فنون سماع طبیعی و آسمان و جهان و کون و فساد از کتاب شفا، محمدعلی فروغی، تهران، چاپخانه بانک ملی، فصل ۱۲، ۱۳۱۹.
۲. اردلان/بختیار، نادر/لاله، حس وحدت (سنت عرفانی در معماری ایرانی)، حمید شاهرخ، تهران، نشر خاک، ۱۳۸۰.
۳. اکبری/پورنامداریان/شیرازی/آیت‌اللهی، فاطمه/ تقی/ علی‌اصغر/حبیب‌الله، «معرفت روحانی و رمزهای هندسی»، پژوهشنامه زبان و ادب فارسی، گوهر گویا، سال ۴، ش. ۱۵، ۱۳۸۹.
۴. آزادبخت، مجید، «ماه نور مسحور سما، ماه در هنر ایران»، کتاب ماه هنر، تهران، شماره ۱۴۱، ۱۳۸۹.
۵. آمیه، پیر، تاریخ عیلام، شیرین بیانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
۶. بلخاری قهی، حسن، مبانی عرفانی هنر و معماری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، سوره مهر، ۱۳۸۴.

۷. پورخوش، زهرا، *بازشناسی موتیف‌ها و عناصر نمادین ماه و مهر در فرهنگ ایرانی*، تهران، انتشارات حانون، ۱۳۹۵.
۸. پونتام، جیمز، *اسرار اهرام در جهان باستان*، محمدصادق شریعتی، تهران، انتشارات سبزان، ۱۳۸۸.
۹. خواجه عبداللهی، محمدحسن، *شهر سه‌هزارساله دوراوتناش (چغازنبیل)*، قم، هدهد، ۱۳۸۳.
۱۰. دبوکور، مونیک، *رمزهای زنده جان*، جلال ستاری، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۴.
۱۱. ذکرگو، حسین، *تجلی ماندالا در معماری و موسیقی سنتی ایران*، فصلنامه هنرنامه، سال سوم، شماره ۸، دانشگاه هنر، ۱۳۷۸.
۱۲. شایگان/ارجمند، گردآورنده و مترجم: *داریوش شایگان - جمشید ارجمند، آیین هندو و عرفان اسلامی*، تهران. نشر و پژوهش فرزبان روز، ۱۳۸۲.
۱۳. صمدی، مهرانگیز، *ماه در ایران از قدیم‌ترین تا ظهور اسلام*، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
۱۴. قدیانی، عباس، *تاریخ ادیان و مذاهب در ایران*، تهران، انتشارات فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۷.
۱۵. نگهبان، عزت‌الله، *حفاری هفت‌تپه دشت خوزستان*، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۲.
۱۶. نورآقایی، آرش، *عدد، نماد، اسطوره*، تهران، نشر افکار، ۱۳۹۳.
۱۷. هال، جیمز، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۳.
۱۸. هینتز، والتر، *دنیای گمشده ایلام*، فیروز فیروزنیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
۱۹. الیاده، میرچا، *اسطوره و رمز در اندیشه میرچا الیاده*، جلال ستاری، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۴.
۲۰. الیاده، میرچا، *چشم‌اندازهای اسطوره*، جلال ستاری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۲.
۲۱. الیاده، میرچا، *رساله در تاریخ ادیان*، جلال ستاری. تهران، انتشارات صداوسیما/سروش، ۱۳۸۹.
۲۲. یوسف زاده، مجید، *تاریخ و تمدن بین‌النهرین*، جلد دوم: هنر و معماری، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.
۲۳. یونگ، کارل گوستاو، *انسان و سمبولهایش*، محمود سلطانی، تهران، نشر جامی، ۱۳۷۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی